

گزارش میراث

فصلنامه اطلاع‌رسانی در حوزه نقد و تصحیح متون، نسخه‌شناسی و ایران‌شناسی

دوره سوم، سال پنجم، شماره یکم و دوم، بهار - تابستان ۱۳۹۹ [انتشار: بهار ۱۴۰۱]

سرخس: زبان، ادبیات و خودآگاهی ملی / محمود ایبسلار ● پژوهش درجه اصالت برخی بیت‌ها در پیرایش شاهنامه / جلال خاقلی مطلق ● مهرهای نسخه خطی المشیخه / عبادالدین شیخ‌المکملی ● نوبت‌های از زندگی علامه علی‌اکبر دهخدا / مریم میونس ● منقولاتی از چهارمقاله نظامی عروضی در متن فارسی گمنامی در احکام نجوم، نوشته تاج‌الدین اکرم / علی صفی آقانه ● نگاهی به فرهنگ‌های حلبی (بررسی ویژگی‌های زبانی) / میلاد بیگلر ● تصحیحی دیگر از نزهة العاشقین تألیف علی بن محمود بن الحاج / علی کاسلی ● صوفیان و معارضان آنان در جهان ایرانی‌وار / مه‌الدین خوانساری ● نقدی بر تصحیح زادالمسافر / مسعود راستی‌پور ● نگاهی به «اشعار پراکنده»ی کلیات زلالی خوانساری / برنوس میوسوی ● رفع چند سوء تفاهم درباره سبغی نیشابوری و تذکر چند نکته درباره چاپ عکسی رسائل العشاق و رسائل المشتاق / مایرون نیگری ● ریشه‌شناسی چه می‌کند؟ (۱۱) / سید احمدرضا قائم‌مقامی ● گزارش از یک انتقال دانشگاهی (مرج کتاب «نهادینه‌های اساطیری در شاهنامه فردوسی» در رساله «نقد اسطوره‌های و کاربرد آن در تحلیل شاهنامه فردوسی») / مهور واحدوست ● ایران در متون و منابع عثمانی (۲۲): چلبی‌زاده عاصم افندی / نصرالله صالحی ● از لایبزیگ تا بابل: مروری بر زندگی و آثار فرانتس هاینریش وایسباخ، پژوهشگر حوزه مطالعات میخی / سهیل دلشاد ● درباره قطعه منسوب به کافی ظفر همدانی / بهروز ایبانی ● یادداشت‌هایی درباره حرف «ض» در زبان فارسی / رضا حدیدی‌زادی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



۹۰ - ۹۱

فصلنامه اطلاع‌رسانی در حوزه نقد و تصحیح
متون، نسخه‌شناسی و ایران‌شناسی
دوره سوم، سال پنجم، شماره یکم و دوم
بهار - تابستان ۱۳۹۹ [انتشار: بهار ۱۴۰۱]

صاحب امتیاز:

مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب

مدیر مسئول و سردبیر: اکبر ایرانی

معاون سردبیر: مسعود راستی‌پور

مدیر داخلی: یونس تسلیمی پاک

طراح جلد: محمود خانی

چاپ دیجیتال: میراث

نشانی مجله:

تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان دانشگاه و
ابوریحان، ساختمان فروردین (شماره ۱۱۸۲)، طبقه دوم.

شناسه پستی: ۱۳۱۵۶۹۳۵۱۹

تلفن: ۶۶۴۹۰۶۱۲

دورنگار: ۶۶۴۰۶۲۵۸

www.mirasmaktoob.ir
gozaresh@mirasmaktoob.ir

بها: ۶۰۰,۰۰۰ ریال

روی جلد: یکی از نگاره‌های شاهنامه قرچغای
خان، به نستعلیق ممتاز محمدتکین الحسینی، مورخ
۱۰۵۸ق (انگلستان، Windsor Castle, Royal Library
(No. RCIN1005014

تصویر خط بسمله

از نسخه کتابخانه John Rylands

فهرست

سرخرن

زبان، ادبیات و خودآگاهی ملی / محمود امیدسالار ۳-۶

جستار

پژوهش در جبهه اصالت برخی بیت‌ها در پیرایش شاهنامه / جلال خالقی مطلق ۷-۲۹
مهرهای نسخه خطی المشیخه / عمادالدین شیخ‌الحکمایی ۳۰-۳۲
نویافته‌هایی از زندگی علامه علی‌اکبر دهخدا / مریم میرشمسی ۳۳-۵۵
منقولاتی از چهارمقاله نظامی عروضی در متن فارسی گمنامی در احکام نجوم، نوشته تاج‌الدین اکرم /
علی صفری آقلعه ۵۶-۶۳
نگاهی به فرهنگ‌های حلیمی (بررسی ویژگی‌های زبانی) / میلاد بیگلر ۶۴-۷۶
تصحیحی دیگر از زهرا العاشقین تألیف علی بن محمود بن الحاج / علی کاملی ۷۷-۸۷

نقد و بررسی

صوفیان و معارضان آنان در جهان ایرانی وار / مجدالدین کیوانی ۸۸-۱۰۲
نقدی بر تصحیح زاد‌المسافر / مسعود راستی‌پور ۱۰۳-۱۲۹
نگاهی به «اشعار پراکنده»ی کلیات زلالی خوانساری / مرتضی موسوی ۱۳۰-۱۳۵
رفع چند سوء تفاهم درباره سیفی نیشابوری و تذکر چند نکته درباره چاپ عکسی رسائل العشاق و
وسائل المشتاق / همایون شیکری ۱۳۶-۱۴۰

پژوهش‌های وابسته

ریشه‌شناسی چه می‌کند؟ (۱۱) / سید احمد رضا قائم‌مقامی ۱۴۱-۱۴۴
گزارشی از یک انتقال دانشگاهی (مزج کتاب «نهادینه‌های اساطیری در شاهنامه فردوسی» در رساله «نقد اسطوره‌ای و
کاربرد آن در تحلیل شاهنامه فردوسی») / مهوش واحد دوست ۱۴۵-۱۵۶

ایران در متون و منابع عثمانی (۳)

چلبلی‌زاده عاصم افندی / نصرالله صالحی ۱۵۷-۱۵۹

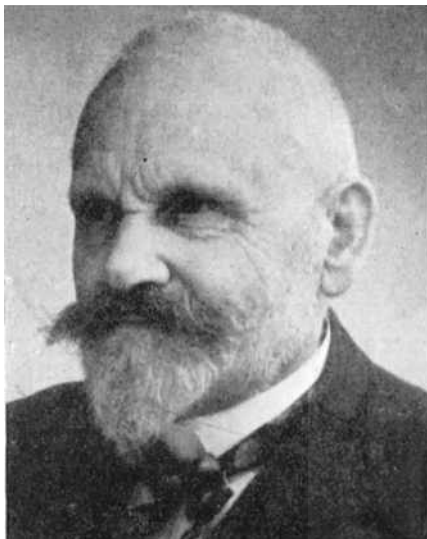
آشنایی با نشرشاهان و متن‌شوهان (۵)

از لایبزیگ تا بابل؛ مروری بر زندگی و آثار فرانتس هاینریش وایسباخ پژوهشگر حوزه مطالعات میخی /
سهیل دلشاد ۱۶۰-۱۶۶

درباره نوشته‌های پیشین

درباره قطعه منسوب به کافی ظفر همدانی / بهروز ایمانی ۱۶۷
یادداشت‌هایی درباره حرف «ض» در زبان فارسی / رضا حیدری‌زادی ۱۶۸-۱۶۹

آشنایی با نسخه‌شناسان و متن‌پژوهان (۵)



از لایپزیگ تا بابل

مروری بر زندگی و آثار

فرانتس هاینریش وایسباخ

پژوهشگر حوزه مطالعات میخی

سهیل دلشاد

مشاور امور کتیبه‌شناسی و زبان‌شناسی پایگاه میراث جهانی تخت جمشید
soheil.delshad88@gmail.com

می‌گذشت و این دانشگاه در حوزه آشورشناسی نه تنها در کشور آلمان بلکه در تمامی ممالک غربی یکی از نهادهای دانشگاهی پیشتاز به شمار می‌رفت (نک: MÜLLER, 1979: 68-71).^۱ وایسباخ در حین تحصیل و در سال ۱۸۸۸، ابتدا به‌شکل موقت و بعدتر با عنوان رسمی کتابدار و سرکتابدار در کتابخانه دانشگاه لایپزیگ استخدام شد تا زمان بازنشستگی‌اش در سال ۱۹۲۹، به‌صورت رسمی در این بخش از دانشگاه مشغول به کار بود (ibid: 74).

۱. در حقیقت فریدریش دلپچ نخستین کسی بود که در رشته آشورشناسی در آلمان مدرک شایستگی علمی (Habilitation) خود را از دانشگاه لایپزیگ با موضوع پژوهشی «نام‌های آشوری حیوانات» (Assyrische Thiernamen) دریافت کرد. او از همین سال تا ۱۸۹۳ در لایپزیگ به تدریس دروس مرتبط با آشورشناسی مشغول بود. داستان علاقه‌مندی دلپچ به آشورشناسی مفصل است و در این مقاله نمی‌گنجد. برای شرح اجمالی این داستان نک: MÜLLER, 1979: 68-69.

فرانتس هاینریش وایسباخ (Franz Heinrich Weißbach) در بیست‌وپنجم نوامبر سال ۱۸۶۵ در شهر کمینتس (Chemnitz) متولد شد. پس از تحصیلات مقدماتی در مدارس دو شهر کمینتس و تسویکاو (Zwickau) برای ادامه تحصیلات در حوزه تاریخ باستان، زبان‌های شرق نزدیک و زبان‌شناسی در سال ۱۸۸۵ وارد دانشگاه لایپزیگ شد (LAMBRECHT, 2006: 185). دانشگاه لایپزیگ که از کهن‌ترین نهادهای آکادمیک آلمان محسوب می‌شود، در آن دوران (یعنی نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی) از نخستین دانشگاه‌های پذیرای اساتید و دانشجویان در حوزه زبان‌ها و فرهنگ‌های مرتبط با سنت خط میخی (به عبارت دیگر آشورشناسی) بود. در زمان ورود وایسباخ به این دانشگاه، از تأسیس رشته آشورشناسی توسط فریدریش دلپچ (Friedrich Delitzsch) ۱۱ سال

در شناخت کتیبه‌های شوش^۴ گام‌های مهمی در جهت پژوهش در کتیبه‌های عیلامی میانه (کتیبه‌های تعدادی از شاهان عیلامی در موزه لوور فرانسه) و عیلامی نو (کتیبه‌های عیلامی نو در اشکفت سلمان واقع در ایذه) برداشت.

پژوهش و ایسباخ برای دریافت مدرک «شایستگی علمی» نیز در نوع خود بسیار درخشان بود. او در ۱۸۹۷ موفق به دریافت مدرک شایستگی علمی با موضوع پژوهشی مسئله سومری^۵ از دانشگاه لایپزیگ گردید. و ایسباخ در این اثر (WEISSBACH, 1898) نیز با بررسی تمامی نظرات مرتبط با ماهیت خط و زبان سومری، از نخستین اشارات به ماهیت غیرآگدی خطوط میخی بابلی و آشوری توسط سر ادوارد هینکس (نک. HINCKS, 1851) تا بحث بر سر هزوارش‌های سومری در متون آگدی و ماهیت و منشأ زبان سومری تا زمان پژوهش و ایسباخ، چند نکته بسیار مهم را روشن نمود. نخست این‌که عنوان این زبان بر اساس متون آگدی و آن‌گونه که نظر برخی از پژوهشگران دیگر نیز هست، باید «سومری» باشد؛ دوم این‌که برخلاف تصور رایج آن زمان، زبان سومری نوعی زبان پنهانی و سرّی در دل متون آگدی نیست و این زبان به یک خانواده زبانی منفرد (غیرسامی و غیرهندواروپایی) تعلق دارد؛ سوم این‌که خط میخی نخستین بار توسط مردمی که به زبانی غیرسامی (یعنی سومری) تکلم می‌کرده‌اند اختراع شده و مورد استفاده قرار گرفته است (WEISSBACH, 1898: 181-182).

فعالیت و ایسباخ در مکان مناسب (دومین دانشگاه آلمان از نظر قدمت تاریخی که آشورشناسی در آن توسط فریدریش دلیچ و دیگر پژوهشگران هم‌عصر او به شکوفایی رسیده بود) و زمان مناسب (دوران آرامش سیاسی نسبی در اروپا در اواخر قرن نوزدهم و دهه نخست قرن بیستم و همکاری‌های گسترده علمی بین دانشمندان اروپایی) و همچنین ویژگی‌های فردی او، که پژوهشگری تیزبین و سخت‌کوش بود، باعث شد که تعداد زیادی از آثار مفصل او تبدیل به نقاط عطفی در مطالعات خط میخی و زبان‌های شرق نزدیک باستان شود. نمونه دیگر تأثیر این پژوهشگر در مطالعات خط

او در سال ۱۸۸۹ از رساله دکتری خود درباره نسخه عیلامی کتیبه‌های هخامنشی دفاع کرد و پس از فراغت از تحصیل، تا پایان دوره سی ساله رسمی کاری خود در همین دانشگاه به فعالیت آموزشی و پژوهشی پرداخت. رساله دکتری و ایسباخ با عنوان «کتیبه‌های هخامنشی، نوع دوم»^۲ در حقیقت نخستین اثر مفصل پژوهشی در رابطه با نسخه عیلامی کتیبه‌های شاهی هخامنشی است که در آن، و ایسباخ به تفصیل درباره پیشینه پژوهشی این کتیبه‌ها، خط عیلامی هخامنشی، دستور زبان، واژه‌نامه و متن بحث کرده و در آخر اثر نیز طراحی مناسبی از کتیبه‌ها را به این مجموعه اضافه کرده است تا رساله دکتری وی تبدیل به نخستین اثر جامع پژوهشی در باب نسخه عیلامی کتیبه‌های شاهی هخامنشی شود. انتخاب عنوان «نوع دوم» برای اشاره به نسخه عیلامی کتیبه‌های شاهی هخامنشی احتمالاً بدین خاطر بوده که در قرن نوزدهم و موازی با تلاش‌های پژوهشگران برای کشف رمز خطوط میخی، همچنان بر سر انتخاب عنوان مناسب این نسخه از کتیبه‌ها اختلاف نظر بوده است و نظرات متفاوت و متناقضی در مورد ماهیت خط و زبان منعکس شده در این نسخه از کتیبه‌ها، از مادی و سکایی گرفته تا شوشی و انشانی و عیلامی، مطرح شده بود. از همین روی، یکی از بخش‌های مهم رساله و ایسباخ به طرح نظریات متفاوت در خصوص ماهیت و عنوان این نسخه از کتیبه‌های هخامنشی و نقد نظریات مبتنی بر مادی یا سکایی بودن این نوع خط و زبان اختصاص داشت (نک. WEISSBACH, 1890: 4-9 & 13-24).

او در رساله خود برای توصیف خط و زبان عیلامی هخامنشی، از عنوان «شوشی نو» (Neusuisch) استفاده کرد که هم پیوند این خط و زبان را با متون تازه‌یافت شده عیلامی میانه و نودر شوش نشان بدهد و هم به متأخر بودن این گونه خطی و زبانی نسبت به متون عیلامی میانه و نو اشاره کند. کار و ایسباخ بر روی متون عیلامی به کتیبه‌های شاهی هخامنشی محدود نشد و در همان سال (۱۸۹۱) با انتشار جزوه کوچکی با عنوان کتیبه‌های انشانی و رهیافت‌هایی در رمزگشایی آن‌ها^۳ و بعدتر (سال ۱۸۹۴) کتاب جستارهایی

4. Neue Beiträge zur Kunde der susischen Inschriften.
5. Die sumerische Frage.

2. Die Achämenideninschriften zweiter Art.
3. Anzanische Inschriften und Vorarbeiten zu ihrer Entzifferung.

میخی به صورت عام و مطالعات عیلامی به صورت خاص، مقاله او درباره نامه‌های عیلامی نینوا از مجموعه کتابخانه آشوربانیپال^۶ است که در سال ۱۹۰۲ با عنوان «الواح گلی شوشی»^۷ منتشر گردید. وی در این مقاله، ۲۵ قطعه لوح گلی نوشته شده به خط و زبان عیلامی نو را که در موزه بریتانیایی نگهداری می‌شوند منتشر کرد و در مورد محتویات و زبان این الواح بحث نمود.^۸ این مقاله بعدتر تبدیل به اساسی شد برای پژوهش‌های مفصل‌تر در رابطه با نامه‌های عیلامی نو در بایگانی سلطنتی دوران آشوری نو.^۹

وایسباخ در سال‌های ۱۹۰۱ تا ۱۹۰۳ به میان‌رودان (بین‌النهرین) سفر کرد تا به عنوان همکار علمی در کاوش‌های باستان‌شناسان آلمانی در شهر باستانی بابل با پشتیبانی جامعه شرق‌شناسی آلمان (Deutsche Orient-Gesellschaft) حضور داشته باشد. در زمینه زبان بابلی او توانست پژوهش‌های گسترده‌ای در رابطه با متون میخی مکشوفه در خلال کاوش‌های هیئت کاوش آلمانی در بابل (۱۸۹۸-۱۹۰۱) و متون مختلف عربی (در دو مجلد، نک. WEISSBACH, 1908) صورت دهد. یکی از نتایج فعالیت‌های پژوهشی وی در این مدت، در قالب کتاب متون پراکنده بابلی (Babylo- niche Miscellen) منتشر شد. وی در این کتاب متون متنخبی از کتیبه‌ها و الواح میخی یافته شده در بابل را بررسی و ترجمه کرد. از میان این متون می‌توان به کتیبه‌های شاهان بابلی و آشوری از دوران‌های مختلف تاریخی، واژه‌نامه، متون اقتصادی، آیینی و ستاره‌شناسی اشاره کرد. از نظر ایران‌شناسی یکی از مهم‌ترین کتیبه‌های معرفی شده در این کتاب رونوشت دوم از نسخه بابلی کتیبه داریوش بزرگ در

بیستون است (نک. WEISSBACH, 1903: 24-26).^{۱۰}

هنگام بازگشت از میان‌رودان، وایسباخ با نسخه‌برداری و خوانش کتیبه‌های مختلف موجود در منطقه نهرالکلب، در دوازده کیلومتری شمال بیروت، یکی دیگر از پژوهش‌های جالب توجه خود را آغاز نمود. نهرالکلب منطقه‌ای شگفت‌انگیز است که در آن نزدیک به ۸ نقش برجسته و ۱۱ کتیبه به خطوط و زبان‌های مصری باستان، آشوری، بابلی، یونانی، لاتین، عربی و همچنین فرانسوی (کتیبه‌ای از ناپلئون سوم در سال ۱۸۶۱) به یادگار نوشته شده است. برخی از کتیبه‌های نهرالکلب حاوی نقوش برجسته هستند. با این‌که از حدود ۵۰۰ سال پیش گزارش‌ها و ترسیم‌های متعددی از یادمان‌های نهرالکلب تهیه شده بود، ولی کتابی که وایسباخ با عنوان یادمان‌ها و کتیبه‌های مصب نهرالکلب^{۱۱} نوشته است، هم نخستین اثر جامع پژوهشی در این رابطه محسوب می‌شود و هم به روشنی دقت کم‌نظیر وایسباخ را به تصویر می‌کشد.

یکی از جالب توجه‌ترین کارهای وایسباخ، ورود وی به مسئله کتیبه‌های سه‌زبانه هخامنشی است. بنیانی که او برای پژوهش بر روی این کتیبه‌ها گذاشت، پس از گذشت بیش از یک قرن، همچنان پابرجاست. دو سال پس از انتشار کتاب او درباره نسخه عیلامی کتیبه‌های شاهی هخامنشی، وایسباخ با مشارکت یک زبان‌شناس آلمانی دیگر به نام ویلی بانگ (Willy Bang) نسخه فارسی باستان کتیبه‌های هخامنشی شناخته شده تا آن روزگار را در کتاب خود با عنوان کتیبه‌های میخی فارسی باستان^{۱۲} در دو مجلد در سال ۱۸۹۳ منتشر نمود، که در آن با اشاره مفصل به پیشینه پژوهشی این کتیبه‌ها، متن کتیبه‌ها و ترجمه آن‌ها به

۶. «کتابخانه آشوربانیپال» یا مجموعه کویونجیک (Kuyunjik) عنوانی است که به حدود ۳۲ هزار لوح و خردلوح گلی مکشوفه در شهر باستانی نینوا در هنگام حفاری‌های موزه بریتانیایی در نیمه دوم قرن نوزدهم و نیمه نخست قرن بیستم یافته شده‌اند. باور عمومی پژوهشگران این است که مجموعه الواح مکشوفه بیش‌تر به مجموعه‌ای تعلق داشته‌اند که به فرمان آشوربانیپال (۶۶۹-۶۳۰ ق.م) گردآوری شده بودند. برای اطلاعات بیشتر، نک. TAYLOR, 2021.

7. Susische Thontäfelchen.

۸. البته پیش از وایسباخ پژوهشگران دیگری نیز به شباهت این خطوط با خطوط نسخه دوم کتیبه‌های شاهی هخامنشی و کتیبه‌های عیلامی اشکفت سلمان پی برده بودند.

۹. تا کنون نزدیک به ۲۷ نامه به زبان عیلامی نو در نینوا یافت شده است. برای اطلاعات بیشتر، نک. GORRIS, 2013.

۱۰. در تاریخ ۱۵ اکتبر ۱۸۹۹، قطعاتی از یک «ایستاسنگ» (stèle) از جنس سنگ دیوریت در خلال کاوش‌های باستان‌شناسان آلمانی در حوالی گوشه شمالی ارگ مرکزی بابل یافت شد که در حال حاضر هفت قطعه از آن مجموعه، مشتمل بر یک قطعه حاوی بقایای دو ستون از متن بابلی و قطعات باقی‌مانده از نقوش، در موزه خاور نزدیک برلین (Vorderasiatisches Museum) نگهداری می‌شوند. به نظر می‌رسد داریوش نخست فرمان برپا کردن ایستاسنگی حاوی متن بابلی کتیبه بیستون را در این مکان نیز صادر نموده و این بقایا دست‌کم از وجود یک رونوشت از نسخه بابلی بیستون در بابل حکایت می‌کنند (نک. SEIDEL, 1999).

11. Die Denkmäler und Inschriften an der Mündung des Nahr el-Kalb.

12. Die altpersischen Keilinschriften.

دقت زیادی نیز در توصیف کتیبه‌ها و محل استقرار یا نگهداری‌شان و پیشینه پژوهشی هر یک به کار برد، چیزی که البته در کارهای پیشین او نیز دیده می‌شود.

بیست سال بعد از انتشار این کتاب، هرتسفلد کاوش‌های خود را در تخت جمشید و محوطه‌های اطراف آغاز نمود و نتیجه این کاوش‌های وی و کاوش‌های اشمیت، کشف تعداد زیادی از کتیبه‌های هخامنشی چندزبانه بود. بر همان اساس محکمی که وایسباخ در سال ۱۹۱۱ عرضه کرد، هرتسفلد نیز در سال ۱۹۳۸ کتابی درباره کتیبه‌های نویافته هخامنشی و برخی دیگر از کتیبه‌هایی که وایسباخ به‌واسطه در دست نداشتن مواد مطالعاتی مناسب به تمام و کمال نخوانده‌بود، منتشر کرد و در تحلیل و ترجمه متون به همه نسخ موجود از کتیبه‌ها توجه نمود (HERZFELD, 1938).

از دیدگاه کتیبه‌شناسی هخامنشی، دهه ۱۹۳۰ میلادی (۱۳۱۰ خورشیدی) دهه بسیار درخشانی محسوب می‌شود. در این دهه کشفیات بسیار زیاد و مفصل هیئت باستان‌شناسی مؤسسه شرقی در تخت جمشید و مناطق اطراف، باعث سرازیر شدن حجم زیادی از اطلاعات به محافل علمی و در نتیجه پژوهش‌های مفصل در این باب شد. وایسباخ نیز از این حجم اطلاعات تازه بی‌بهره نماند و در دهه ۱۹۳۰ مقالات متعددی درباره کتیبه‌های نویافته هخامنشی و همچنین در بازنگری کتیبه‌های پیش‌تر منتشر شده، به تحریر درآورد. یکی از آثار شاخص وی در این دهه در باب دو قطعه از نسخه عیلامی کتیبه خشیارشا XPh (موسوم به کتیبه دیوه) بود که توسط گروهی به سرپرستی اشمیت در سال ۱۹۳۵ میلادی در محوطه موسوم به «پادگان» در جنوب شرق عمارت موسوم به «خزانه» یافت شده‌بودند (نک. MOUSAVI, 2020: 75-76). هرچند یکی از نخستین گزارش‌ها از این دو قطعه و تلاش برای بازسازی بخش از بین رفته کتیبه توسط ارنست هرتسفلد (HERZFELD, 1936; idem, 1938: 27-35) منتشر گردید، ولی وایسباخ در یکی از آخرین مقالاتش پیش از آغاز جنگ دوم جهانی، تلاشی مثال‌زدنی برای بازسازی متن عیلامی بر اساس نسخ فارسی باستان و بابلی هخامنشی این کتیبه نمود (WEISSBACH, 1939). یکی دیگر از مقالات ارزشمند این پژوهشگر در

آلمانی (در مجلد اول)، مباحثی چون دستور زبان فارسی باستان و واژه‌نامه و توضیحات مرتبط با متن کتیبه‌ها (در مجلد دوم) نیز گنجانده شده‌است. هرچند تمرکز این کتاب بر روی نسخه فارسی باستان کتیبه‌های هخامنشی بود، با این وجود نویسندگان گوشه چشمی به نسخه‌های عیلامی و بابلی هخامنشی این کتیبه‌ها نیز داشتند.

وایسباخ نخستین کسی است که هر سه نسخه کتیبه‌های هخامنشی نوشته‌شده بر روی آرامگاه داریوش نخست در نقش رستم را در قالب یک کتاب مستقل منتشر کرد (نک. WEISSBACH, 1911a). با تمام پیچیدگی‌های متنی و صدماتی که به این کتیبه‌ها (به‌ویژه کتیبه‌های نقرشده بر دو طرف ورودی آرامگاه، DNb) وارد شده‌است، در خوانش این دسته از کتیبه‌های سه‌زبانه او شیوه‌ای را در پیش گرفت که بر اساس آن در همان سال تمامی کتیبه‌های هخامنشی را منتشر نمود (ترجمه بر پایه نسخه فارسی باستان و توجه به نقاط افتراق در نسخه‌های عیلامی و بابلی هخامنشی). در حقیقت نقطه عطف شناخت کتیبه‌های هخامنشی، انتشار کتاب فرانتس هاینریش وایسباخ با عنوان کتیبه‌های میخی هخامنشیان^{۱۳} در سال ۱۹۱۱ (WEISSBACH, 1911b) بود. شاید دهه نخست قرن بیستم بهترین فرصت بود برای جمع‌بندی آنچه پژوهشگران از کتیبه‌های هخامنشی می‌دانستند و پی‌ریزی بنایی برای کشفیات بیشتر و پژوهش‌های آینده در این حوزه. بدین ترتیب، وایسباخ با در نظر گرفتن هر سه نسخه کتیبه‌های هخامنشی به خط میخی یعنی فارسی باستان، عیلامی هخامنشی و بابلی هخامنشی و ارائه ترجمه بر اساس نسخه فارسی باستان و بحث در مورد تفاوت‌های هر یک از نسخ، به‌روشنی نشان داد که تا چه حد توجه به هر سه نسخه این کتیبه‌ها پژوهشگران را در درک بهتر این کتیبه‌ها یاری می‌رساند. یکی از نکات منحصربه‌فرد در کتاب او اشتغال بر ویرایش جدیدی از استوانه فرمان کوروش (به خط و زبان بابلی متأخر) به‌عنوان نخستین کتیبه در بخش متون این کتاب بود. ذکر این نکته لازم است که کتاب او تنها یک اثر زبان‌شناختی محسوب نمی‌شود؛ وایسباخ

13. Die Keilinschriften der Achämeniden.

سال دوم جنگ جهانی با عنوان «ستون پنجم کتیبه بزرگ بیستون»^{۱۴} منتشر گردید. در این مقاله (idem, 1940) او با جمع‌بندی نظرات مختلف در باب ستون پنجم کتیبه بیستون، که تنها به فارسی باستان نگاهشده شده است،^{۱۵} تلاش کرد تا ویرایش جدیدی از این بخش از کتیبه ارائه کند.

وایسباخ پس از انتشار این کتاب نیز تا پایان عمرش به پژوهش‌های متنوع خود در حوزه خط میخی، از جمله کتیبه‌های هخامنشی، ادامه داد. او که از سال ۱۸۹۱ در دانشگاه لایپزیگ به‌عنوان کتابدار مشغول به کار شده بود، در سال ۱۹۲۹ بازنشسته شد. یک سال پس از بازنشستگی، در ۱۹۳۰ در سن ۶۵ سالگی، عنوان پروفیسور افتخاری این دانشگاه را دریافت نمود (MÜLLER, 1979: 74). وی در تاریخ ۲۴ آوریل ۱۹۳۳، چند هفته پس از به قدرت رسیدن حزب نازی، برای عضویت در این حزب درخواست داد، ولی این درخواست او به علت عضویت در لژ فراماسون لایپزیگ (به نام Apollo) در تاریخ ۷ ژوئن ۱۹۳۴ رد شد. پس از رد این درخواست، وایسباخ در یک نامه به شخص صدر اعظم وقت آلمان (آدولف هیتلر) از میهن‌پرستی خود دفاع کرد و سوءظن حزب ناسیونال سوسیالیست را نسبت به فراماسون‌ها مورد انتقاد قرار داد. این نامه انتقادی او در نهایت باعث شد که بر اساس بند ۶ قانون ترمیم خدمات اجتماعی حرفه‌ای (موسوم به قانون BBG) در تاریخ ۱۰ دسامبر ۱۹۳۵ برای همیشه از دانشگاه لایپزیگ اخراج شود (LAMBRECHT, 2006: 185-186). او پس از اخراج از دانشگاه نیز فعالیت علمی خود را کنار نگذاشت و تا آخرین لحظات عمر در محل زندگی خود در حومه لایپزیگ به نگارش و انتشار مقالات و کتب مختلف مشغول بود.

ظاهراً او در بحبوحه جنگ دوم جهانی و پس از انتشار برخی از کشفیات مؤسسه شرقی در تخت جمشید و کتاب هرتسفلد درباره کتیبه‌های هخامنشی (HERZFELD, 1938) در حال تهیه ویرایش تازه‌ای از کتاب کتیبه‌های میخی هخامنشیان بوده که متأسفانه با کشته شدنش در بمباران محل سکونتش در مارککلیبرگ (حومه شهر لایپزیگ) در تاریخ ۲۰ فوریه ۱۹۴۴، این کار ناتمام باقی می‌ماند و البته تا به امروز هم مشخص نشده است که آیا از دست‌نوشته‌های وایسباخ درباره آثار در دست ویرایش و انتشارش از آن بمباران چیزی باقی مانده است یا خیر (نک. WEIDNER, 1945-1951).

سنتی که وایسباخ در بررسی همزمان کتیبه‌های سه‌زبانه هخامنشی بنا نهاد متأسفانه در گذر زمان کمرنگ شد. در کنار معطوف شدن بیش از پیش توجه آشورشناسان به مواد نوشتاری مکشوف از میان‌رودان، آناتولی و سایر مناطق تحت نفوذ سنت کهن خط میخی، پژوهشگران دنیای ایرانی نیز بیش‌تر به طرف کار بر روی یکی از نسخ کتیبه‌های هخامنشی (مانند فارسی باستان) متمایل شدند. با این حال، گذشت زمان و کشفیات جدیدتر و توسعه دانش زبان‌شناسی شرق نزدیک باستان باعث شد که بار دیگر پژوهشگران به اهمیت بررسی تمامی نسخه‌های کتیبه‌های هخامنشی پی ببرند و پژوهش‌های شرق نزدیک باستان شاهد احیای این سنت باشد.

یکی از آخرین کارهای وایسباخ، درباره خرده‌کتیبه‌های میخی هخامنشی مکشوفه در بابل، ۱۳ سال پس از مرگش، در سال ۱۹۵۷، به پیوست کتابی در باب کاوش‌های باستان‌شناختی جامعه شرق‌شناسی آلمان در شهر باستانی بابل منتشر شده است (WEISSBACH, 1957).

با یافته شدن الواح اقتصادی و اداری در دو بایگانی بارو و خزانه تخت جمشید، فضای کار تازه‌ای در مطالعات تطبیقی در حوزه متون هخامنشی باز شد. به‌خصوص این‌که بخش بزرگی از الواح مکشوفه به زبان و خط عیلامی هخامنشی نوشته شده بود و بهترین متخصص این حوزه در آن دوران کسی جز وایسباخ نبود. به نظر می‌رسد که او بهترین و مناسب‌ترین شخصی بود که می‌توانست به

14. Die fünfte Kolumne der großen Bisütün-Inschrift.

۱۵. کتیبه بیستون به سه خط و زبان فارسی باستان، عیلامی و بابلی هخامنشی بر روی صخره کوه بیستون نگاهشده شده است. از متن این کتیبه یک نسخه آرامی نیز در مصر یافت شده و نسخه دیگری به بابلی در بابل یافت شده است (نک. بالا). نسخه فارسی باستان کتیبه اصلی بیستون (در زیر نقش شاه و همراهان و اسرا) در پنج ستون نگاهشده شده است. ستون پنجم فارسی باستان بعدتر و مدتی پس از اتمام کار کتیبه اصلی و نقوش اصلی به کتیبه اضافه شده است. بدین ترتیب، نسخ عیلامی و بابلی هخامنشی تنها چهار ستون از نسخه فارسی باستان را پوشش می‌دهند و ستون پنجم این کتیبه که بعدتر به متن اصلی اضافه شده تنها به فارسی باستان نوشته شده است.

- LAMBRECHT, R. (2006). *Politische Entlassungen in der NS-Zeit. Vierundvierzig biographische Skizzen von Hochschullehrern der Universität Leipzig*. Evangelische Verlagsanstalt.
- MOUSAVI, A. (2020). "Visual Display and Written Record: Reflections of Some of Xerxes' Inscriptions at Persepolis". In: E. R. M. Dusingberre, M. B. Garrison, & W. F. M. Henkelman (Eds.), *The Art of Empire in Achaemenid Persia. Studies in Honour of Margaret Cool Root. Achaemenid History 16* (pp. 73-79). Leiden & Leuven: Peeters.
- MÜLLER, M. (1979). "Die Keilschriftwissenschaften an der Leipziger Universität bis zur Vertreibung Landsbergers im Jahre 1935". *Wissenschaftliche Zeitschrift Der Karl-Marx-Universität Leipzig. Gesellschafts-Und Sprachwissenschaftliche Reihe*, 28, 67-86.
- SEIDL, U. (1999). "Ein Monument Darius' I. aus Babylon". *Zeitschrift Für Assyriologie Und Vorderasiatische Archäologie*, 89, 101-114, pl. I-X.
- STOLPER, M. W. (1980). "George G. Cameron 1905-1979". *The Biblical Archaeologist*, 43 (3 Summer, 1980), 183-189.
- TAYLOR, J. (2021). "What is the Library?". In: *Ashurbanipal Library Project, The Ashurbanipal Library Project*, Department of the Middle East, The British Museum, Great Russell Street, London WC1B 3DG, [http://oracc.museum.upenn.edu/asbp/whatisthelibrary/].
- WEIDNER, E. F. (1945-1951). "Franz Heinrich Weissbach". *Archiv Für Orientforschung*, 15 (Bd. (1945-1951)), 176-178.
- WEISSBACH, F. H. (1890). *Die Achämenideninschriften Zweiter Art*. J. C. Hinrichs'sche Buchhandlung.
- ----- (1891). *Anzanische Inschriften und Vorarbeiten zu ihrer Entzifferung*. Bei S. Hirzel.
- ----- (1894). *Neue Beiträge zur Kunde der susischen Inschriften*. Bei S. Hirzel.
- ----- (1898). *Die sumerische Frage*. J. C. Hinrichs'sche Buchhandlung.
- ----- (1902). *Susische Thontäfelchen. Beiträge zur Assyriologie und semitische Sprachwissenschaft*, 4, 168-201.
- ----- (1903). *Babylonische Miscellen*. J. C. Hinrichs'sche Buchhandlung.
- ----- (1908-1930). *Beiträge zur Kunde des Irak-Arabischen* (Vol. 1-2). J. C. Hinrichs'sche Buch-

پژوهشگران تازه‌وارد به حوزهٔ عیلام‌شناسی، مانند جورج کمرون و ریچارد هلک در فهم الواح نویافتهٔ بارو و خزانهٔ تخت جمشید کمک کند. اما متأسفانه بحران سیاسی آلمان و اروپا پس از روی کار آمدن نازی‌ها و آغاز جنگ جهانی دوم هم فرصت کار کردن بر روی این الواح را از وی گرفت و هم پژوهشگران آمریکایی یادشده را از کمک‌های او محروم ساخت. از خاطرات و نامه‌های جورج کمرون برمی‌آید که او در رابطه با خوانش الواح عیلامی بایگانی خزانهٔ تخت جمشید با وایسباخ در مکاتبه بوده و وایسباخ اشتیاق بسیاری نسبت به کار با او در لایپزیگ نشان داده‌است. کمرون با استقبال از این دعوت وایسباخ راهی آلمان بوده‌است و روز ورود وی به شهر زوریخ در سوئیس، دقیقاً مصادف شده با اول سپتامبر و آغاز حملهٔ آلمان نازی به لهستان (نک. STOLPER, 1980: 185). بنابراین سفر کمرون نیمه‌کاره رها شد و جنگ جهانی فرصت این همکاری علمی را از این دو پژوهشگر گرفت.

اگر وایسباخ نیز مانند بسیاری دیگر از پژوهشگران پاکسازی‌شدهٔ آلمانی به آمریکا یا کشورهای دیگر مهاجرت می‌کرد، ممکن بود این جریان تازهٔ اطلاعات از درون الواح دو بایگانی تخت جمشید با هدایت او به نسل بعدی پژوهشگران در مؤسسهٔ شرقی شیکاگو شکل بگیرد و مطالعهٔ این الواح با سرعت و کیفیت بالاتری انجام شود. هر چند که باز هم این امر مهم در غیاب وی به یک آشورشناس آلمانی دیگر به نام آرنو پوبل (Arno Poebel) واگذار شد.

منابع

- GORRIS, E. (2013). "Remarques sur la lettre Ninivite quatorze en langue élamite (BM 83-1-18,307)". *Le Muséon: Revue d'études Orientales*, 126, 8-20.
- HERZFELD, E. (1936). "Xerxes' Verbot des Dai-va-Cultes". *Archaeologische Mitteilungen Aus Iran*, VIII, 56-77.
- ----- (1938). *Altpersische Inschriften*. Dietrich Reimer.
- HINCKS, E. (1851). "On the Language and Mode of Writing of the Ancient Assyrians". In: *Report of the Twentieth Meeting of the British Association for the Advancement of Science* (p. 140).

Iura Orientis Antiqui Pertinentes Paulo Koschaker Dedicatae (pp. 189–198). E. J. Brill.

- ----- (1940). “Die fünfte Kolumne der großen Bīsūtūn-Inschrift”. *Zeitschrift Für Assyriologie Und Vorderasiatische Archäologie*, 46, 53–82.

- ----- (1957). “Die persischen Keilinschriften”. In: F. Wetzel, E. F. Schmidt, & A. Mallwitz, *Das Babylon der Spätzeit* (pp. 48–49). Gebr. Mann Verlag.

- Weissbach, F. H., & Bang, W. (1893). *Die altpersischen Keilinschriften*. J. C. Hinrichs’sche Buchhandlung.

handlung.

- ----- (1911a). *Die Keilschriften am Grabe des Darius Hystaspes*. B. G. Teubner.

- ----- (1911b). *Die Keilinschriften der Achämeniden*. J. C. Hinrichs’sche Buchhandlung.

- ----- (1922). *Die Denkmäler und Inschriften an der Mündung des Nahr el-Kalb*. Vereinigung wissenschaftlicher Verleger De Gruyter & Co.

- ----- (1939). “Die elamische Übersetzung der Daiwa-Inschrift”. In: Th. Folkers (Ed.), *Symbolae ad*

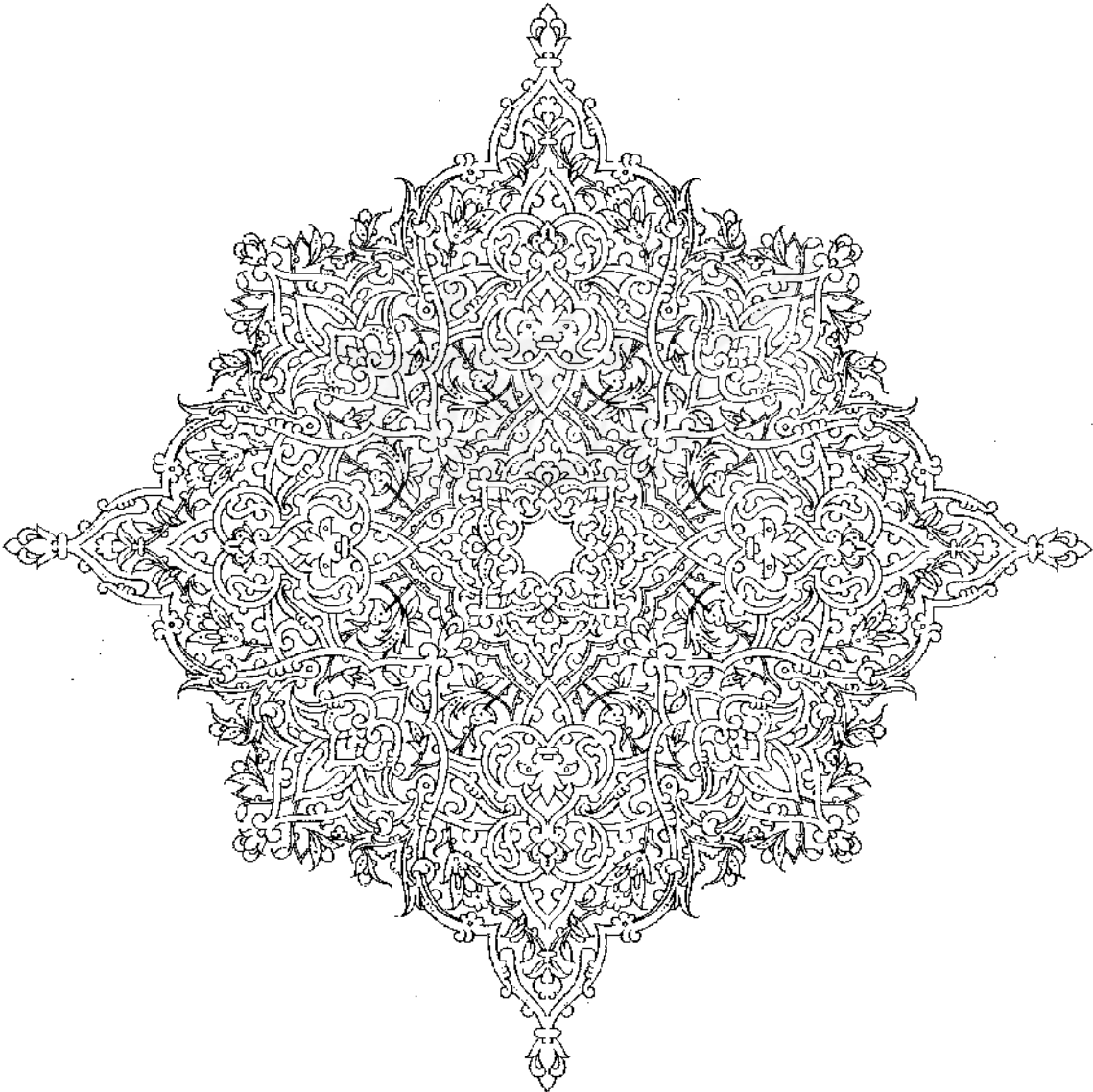


Table of Contents

Editorial

Language, Literature, and National Self-Consciousness / Mahmoud OMIDSALAR 3-6

Articles

Investigating the Authority of a Number of Couplets in the Editing of the *Shāhnāme* / Djalal KHALEGI-MOTLAGH 7-29

Seals of the *Al-mašīḫah*'s Manuscript / Emadoddin SHEYKHOLHOKAMAEI 30-32

New Findings on the Life of 'Allāmeḥ 'Ali Akbar Dehkhodā / Maryam MIRSHAMSI 33-55

Excerpts from Nizāmī-yi 'Arūzī's *Chahār Maqāleh* ("Four Treatises") in an Unknown Text on Judicial Astrology,
Written by Tāj al-dīn-i Akram / Ali SAFARI AQ-QALEH 56-63

A Look at Ḥalīmī's Dictionaries (A Study on Linguistic Features) / Milad BIGDELOU 64-76

Another Edition of *Nuzhat al-'Āsighīn* Written by 'Alī ibn-i Mahmūd ibn al-Ḥāj / Ali KAMELI 77-87

Reviews and Critiques

Sufis and Their Opponents in the Persianate World / Majdoddin KEYVANI 88-102

A Review of the Edition of *Zād al-Musāfir* / Masoud RASTIPOUR 103-129

A Look at the "Fragmented Poems" in *Zulālī-yi Xānsārī's Collection of Poems* / Mortaza MOUSAVI 130-135

Clearing up Some Misunderstandings about Seyfī-yi Niyšābūrī and Making a Few Comments on the Facsimile
Edition of *Rasā'il al-'Uššāq wa Wasā'il al-Muštāq* / Homayoun SHEKARI 136-140

Essays on Research

What Does an Etymologist Do? (11) / Seyyed AhmadReza QAEMMAQAMI 141-144

A Report on an Academic Plagiarism (Incorporation of the *Mythological Infrastructures in Shāhnāme* of Ferdowsi into *Mythological Criticism, and Its Application in the Analysis of Ferdowsi's Shāhnāme* [Doctoral Dissertation, Ferdowsi University of Mashhad]) /
Mahvash VAHEDDOUST 145-156

Iran in Ottoman Texts and Sources (22)

Çalabizādah 'Āšem Efendī / Nasrollah SALEHI 157-159

Introducing Codicologists and Textual Scholars (5)

From Leipzig to Babylon; A Review of the Life and Works of Franz Heinrich Weissbach, a Scholar in Cuneiform
Studies / Soheil DELSHAD 160-166

On the Previous Articles

On a Piece of a Poem Ascribed to Kāfī-i Zafar-i Hamadānī / Behrouz IMANI 167

Notes on the Letter [Ž] in the Persian Language / Reza HEYRARIZADI 168-169